

حکایت بهلول و آشپز

۳ مهر ۱۳۹۴ ساعت ۲۲:۵۰

هنگام رفتن صاحب دکان گفت : تو از بخار دیگ من استفاده کردی و باید پولش را بدهی

یک روز عربی از بازار عبور می کرد که چشمش به دکان خوراک پزی افتاد از بخاری که از سر دیگ بلند میشد خوشش آمد تکه نانی که داشت بر سر آن میگرد و میخورد.

هنگام رفتن صاحب دکان گفت : تو از بخار دیگ من استفاده کردی و باید پولش را بدهی.

مردم جمع شدن مرد بیچاره که از همه جا درمانده بود بهلول را دید که از آنجا می گذشت.

از بهلول تقاضای قضاوت کرد بهلول به آشپز گفت : آیا این مرد از غذای تو خورده است؟

آشپز گفت : نه ولی از بوی آن استفاده کرده است.

بهلول چند سکه نقره از جیبش در آورد و به آشپز نشان داد و به زمین ریخت و گفت : ای آشپز صدای پول را تحویل بگیر.

آشپز با کمال تحیر گفت : این چه طرز پول دادن است؟

بهلول گفت : مطابق عدالت است کسی که بوی غذا را بفروشد در عوض باید صدای پول دریافت کند.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/۲۲۰۲۴/حکایت-بهلول-و-آشپز>